

دکتر علی حسین مصلحی \*

## اثر حقوقی شرط عدم عزل وکیل ضمن عقد وکالت

چکیده:

عقد وکالت از عقود جایز بوده و به وسیله درج عقد ضمن عقد لازم یا عدم عزل وکیل در ضمن عقد لازم، می‌توان آن را به صورت لازم درآورده و حق عزل وکیل از موکل سلب گردد و در نتیجه به گونه‌ای به صورت عقد لازم در عالم خارج به وجود خواهد آمد. کما اینکه این موضوع را ماده ۶۷۹ قانون مدنی بیان نموده است. بحث در این است که آیا می‌توان عدم عزل وکیل را ضمن عقد وکالت را متولد می‌نماید درج نمود یا خیر؟ و در صورتی که این امر امکان پذیر است، درج شرط عدم عزل وکیل چه تأثیری در حق عزل موکل نموده؟ آیا موکل با وجود چنین شرطی می‌تواند که وکیل خویش را هر وقت بخواهد عزل نماید یا اینکه پس از درج چنین شرطی ضمن عقد وکالت این حق از نامبرده سلب شده و چنین اختیاری را نداشته دقیقاً مثل موردی که شرط عدم عزل ضمن عقد لازمی درج گردیده باشد؟ ما در این مقاله درباره این موضوع تحقیق نموده و به این نتیجه می‌رسیم که درج شرط عدم عزل وکیل ضمن عقد لازم و ضمن عقد جایز وکالت اداری یک حکم می‌باشند.

واژگان کلیدی:

عقد وکالت، عقد جایز، عقد لازم، حق عزل وکیل، شرط عدم عزل وکیل، درج شرط ضمن عقد لازم، درج شرط ضمن عقد جایز.

## مقدمه

برای تحقق و به وجود آمدن اعمال حقوقی تنها اراده شخص یا اشخاص با شرایط خاص خود مؤثر بوده و به تعبیر دیگر عامل سازنده اعمال حقوقی اراده می‌باشد. پس از اینکه عمل حقوقی متولد گردید آثار حقوقی آن عمل حقوقی بر آن بار خواهد شد. این اعمال حقوقی پس از تولد به دو گونه تقسیم می‌گردند: گروهی از اعمال پس از تولد دیگر احتیاج به عامل سازنده نداشته و می‌تواند در عالم حقوق به زندگی خود ادامه داده و تغییر در اراده به هیچ وجهی تأثیر در حیات و آثار اعمال حقوقی نداشته که اصطلاحاً به عقود لازم تعبیر می‌گردد و دسته‌ای دیگر برای ادامه حیات در تمامی حیات احتیاج به عامل سازنده که همان اراده با شرایط خاصه خود می‌باشند دارند و در صورت از بین رفتن عامل سازنده عمل حقوقی نیز از بین خواهد رفت که در اصلاح به نام عقود جایزه معروف می‌باشند. بحث ما در این مقاله بر این امر استوار است که آیا می‌توان این وابستگی عقود جایزه را از عامل سازنده جدا نمود یا خیر، و یا به تعبیر دیگر، آیا با درج عدم عزل ضمن عقد لازم و با عقد جایزه می‌توان در این وابستگی تغییری ایجاد نمود یا خیر؟

این امر ممکن است با درج عدم عزل ضمن عقد لازم یا عقد جایزه در عالم حقوق تحقق پیدا نماید که در آن صورت اخیر نیز ممکن است ضمن عقد جایزه دیگری غیر از خود عقد باشد و ممکن است ضمن خود آن عقد تحقق پیدا نماید که ما این موضوع را ذیلاً مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

### ۱- اثر حقوقی عدم عزل وکیل ضمن عقد لازم

همان طوری که گفته شد حیات عقد جایزه بستگی به وجود عامل سازنده مؤثر آن که همانا اراده می‌باشد دارد. و این عامل سازنده و اراده به سه طریق می‌تواند تأثیر و سازندگی خود را از دست بدهد.

۱- چون اراده عبارتست از یک سلسله اعمال دماغی که در ذهن انجام می‌گیرد و سپس این اراده بایستی در عالم حقوق اعلام گردد تا بتواند حالت سازندگی و ایجاد را داشته باشد. (۱) پس

این امکان برای اراده وجود دارد که هر زمان ایجادکننده آن از خلق آن جلوگیری نماید و در نتیجه عامل سازنده عقد و در نتیجه عمل حقوقی از حیات در عالم حقوق بازماند که از نظر حقوقی این عمل فسخ نامیده می‌شود و مسلم است که بایستی شخص برای این امر اهلیت تمتع و اهلیت اجرا را داشته باشد و بر همین اساس و مبنا می‌باشد که قانون مدنی ضمن مواد ۱۸۵ و ۱۸۶ و ۱۸۷ عقد را به لازم و جایز تقسیم نموده است. ماده ۱۸۵: «عقد لازم آن است که هیچ یک از طرفین معامله حق فسخ آن را نداشته باشد مگر در موارد معینه» و ماده ۱۸۶: «عقد جایز آنست که هر یک از طرفین می‌تواند هر وقتی بخواهد آن را فسخ کند».

۲- مسلم است که هر اراده‌ای با توجه به ساختار وجودی آن نمی‌تواند مطلقاً حالت سازندگی را داشته باشد، بایستی اراده سالم و خالی از عیب باشد وگرنه ضمانت اجرایی همچون بطلان و عدم نفوذ را خواهد داشت (۲) و بر همین اساس مواد ۱۹۵ و ۱۹۹ و ۲۰۳ قانون مدنی ایران تدوین شده است.

۳- پرواضح است که اگر شخص ایجادکننده اراده از بین برود به علت از دست دادن شخصیت خویش جنبه خالقیت را نیز از دست خواهد داد و در نتیجه عمل حقوقی از ادامه حیات باز خواهد ماند. این امر ضمن ماده ۹۵۴ قانون مدنی پیش‌بینی شده است: «کلیه عقود جایزه به موت احد طرفین منفسخ می‌شود و...»

واضح است که با خصوصیتی که در عقد لازم وجود دارد که همانا استقلال عمل حقوقی از عامل سازنده خویش است، بنابراین هیچ یک از طرق سه‌گانه فوق در آن راه ندارد. (۳) اکنون بایستی بررسی نمود که تأثیر شرط عدم عزل وکیل (عدم فسخ عقد وکالت از طرف موکل) ضمن عقد لازم چه تأثیری در ساختار عقد جایز وکالت خواهد داشت.

مسلم است که خالق اراده فقط در طریق اول می‌تواند دخالت نموده و از انشای اراده خویش خودداری نماید یا به عبارت دیگر، می‌تواند حق فسخ را از خویش سلب نماید و نمی‌تواند برای عمل حقوقی که برای ادامه حیات آن به اراده احتیاج دارد، در هنگام خلق برای زمان‌های آینده ولو اینکه اراده بیمار و یا به عبارتی معیوب است و یا از بین رفته باشد آن عمل حقوقی را انشا نماید، چون این امر برخلاف طبیعت و ذات آن عمل حقوقی خواهد بود.

بنابراین نتیجه این می‌شود که اگر عقد جایزی ضمن عقد لازمی درج گردد، از آنجایی که عقد لازم را نمی‌توان هر زمان فسخ نمود، عقد جایز هم قابل فسخ نخواهد بود. مبنای حقوقی این مطلب را می‌توان این چنین توجیه نمود که در این حالت اهلیت اجرای فسخ را نداشته و با توجه به این امر که برای اجرای هر عمل حقوقی اهلیت اجرا لازم و ضروری می‌باشد، اجرای فسخ غیرممکن خواهد بود.

ولی اگر اراده به علت بیماری یا فوت انشاءکننده آن از بین برود با اینکه عقد لازم به حالت خود باقی است (چون ادامه حیات آن احتیاج به اراده ندارد) ولی عقد جایز به علت نداشتن عامل سازنده از ادامه حیات بازمانده و از بین خواهد رفت. (۴)

## ۲- اثر حقوقی درج عدم عزل و کیل ضمن عقد جایز

ممکن است عقد جایز ضمن عقد جایز دیگر به صورت شرط فعل با نتیجه ظاهر گردد. در این مورد بایستی مطالعه گردد که عقد جایز شرط شده ضمن عقد جایز دارای چه احکامی می‌باشد. واضح است که عقد جایز شرط شده ضمن عقد جایز دیگر تا زمانی که عقد جایز در عالم حقوق وجود دارد الزام آور بوده و تخلف نسبت به آن جایز نخواهد بود.

البته واضح است که برای از بین بردن عقد جایز درج شده ضمن عقد جایز ابتدا بایستی عقد جایز اصلی را از بین برد تا اینکه بتوان عقد جایز درج شده ضمن آن را به وسیله فسخ (با عزل وکیل در مورد وکالت) از بین برد.

بنابراین شرط عدم عزل وکیل ضمن عقد جایز تا زمانی که عقد جایز اصلی موجود است به علت نداشتن اهلیت اجرا غیرممکن است و در این خصوص شرط عدم عزل وکیل ضمن عقد لازم با شرط عدم عزل وکیل ضمن عقد جایز با یکدیگر فرق نداشته و اختلاف شرط عدم عزل وکیل ضمن عقد لازم و جایز در این است که عقد لازم را نمی‌توان فسخ نمود. لذا عدم عزل غیرممکن است ولی عقد جایز را می‌توان فسخ نمود لذا عزل وکیل نیز ممکن است ولی واضح است که عدم عزل را نمی‌توان ابتدا اجرا نمود. زیرا اعمال این امر احتیاج به مقدمه‌ای دارد که آن عبارت از فسخ عقد جایز می‌باشد. بنابراین اگر عدم عزل وکیل ضمن عقد جایزی شرط شده

باشد عبارت اینکه «موکل می تواند هر وقت بخواهد وکیل را عزل کند» صادق نبوده. (۵)

شرط عدم عزل وکیل ضمن عقد جایز ممکن است در عمل به دو صورت تحقق پذیرد:

۱- شرط عدم عزل وکیل ضمن عقد جایزی غیر از عقد جایز وکالت مثلاً عقد عاریه یا عقد ودیعه درج می گردد.

۲- شرط عدم عزل وکیل ضمن خود عقد جایز وکالت درج می گردد. بدین صورت که هنگام انعقاد عقد وکالت شرط می گردد که موکل حق عزل وکیل را از خود سلب نموده است که ما ذیلاً هریک را جداگانه مورد مطالعه قرار می دهیم.

#### ۱-۲- شرط عدم عزل وکیل ضمن عقد جایز (غیر از عقد وکالت)

با توجه به قواعد کلی حقوقی و آزادی اراده درج هرگونه شرطی ضمن عقد جایز دیگر در صورتی که مخالفتی با قواعد عمومی مربوط به «درج شرط ضمن عقد» را نداشته باشد بلا مانع بوده و شرط لازم الوفا بوده و عموم المومنون عند شروطهم شامل این شرط نیز خواهد بود. زیرا همان طوری که قبلاً ذکر شد اهلیت اجرای عزل وکیل را موکل از خود سلب نموده و در نتیجه امکان عزل برای موکل وجود ندارد. به عبارت دیگر، بایستی شرط را که عدم عزل می باشد اجرا نماید و برای موکل لازم الوفا بوده و خلاف آن امکان پذیر نیست و بر همین مبنا است که یکی از فقهای مشهور نظر داده اند که: «والتحقیق ان یقال ان الشرط واجب الوفا حتی ما کان فی ضمن العقد الجایز لکن و چوب الوفا به مشروط ببقا العقد و فی العقد الجایز فعلا یمکن الفسخ لثلا یمقی موضوع الشرط و هذا معنی التبعية لا انه جایز بجواز العقد به معنی انه یمکن رفعه مع قطع النظر عن رفع العقد الذی هو موضوع له و لعل هذا مراد الفقها القائلین بجواز الشروط فی العقود الجایزه لا آنها جائزه فی حد نفسها». (۶) به عبارت دیگر، شرط عدم عزل وکیل ضمن عقد جایز نیز الزام آور بوده و تخلف نسبت به آن جایز نیست ولی در عین حال می توان گفت که شرط عدم عزل وکیل جایز بوده و تخلف نسبت به آن جایز است ولی جواز در مرتبه ثانی نه اولیه.

## ۲-۲ شرط عدم عزل وکیل ضمن عقد وکالت

در عمل نوعاً اتفاق می‌افتد که موکل ضمن عقد وکالت حق عزل وکیل را از خود سلب می‌نماید. در این صورت بایستی از نظر اصول کلی حقوقی بررسی نمود که آیا سلب حق عزل به وسیله شرط ضمن عقد وکالت که منجر به نوعی لزوم عقد وکالت می‌گردد (زیرا موکل حق فسخ عقد وکالت را از خود سلب می‌نماید) مخالفتی با قانون یا اصول عقلی و منطقی دارد یا خیر؟ و در ثانی این شرط چه اثری را در بر دارد، آیا با وجود چنین شرطی ضمن عقد وکالت، موکل می‌تواند وکیل خود را عزل نماید یا خیر؟

### ۲-۲-۱- آیا درج شرط عدم عزل وکیل ضمن عقد وکالت صحیح است؟

شرط عدم فسخ عقد جایز ضمن همان عقد جایز در عمل نوعاً در عقد وکالت اتفاق می‌افتد. بدین صورت که ضمن عقد وکالت عدم عزل وکیل که همان شرط عدم فسخ می‌باشد، شرط می‌گردد. قبلاً بررسی شد که شرط عدم فسخ عقد جایز ضمن عقد جایز دیگر بلا مانع بوده و هیچ‌گونه اشکالی ندارد، اما در مورد شرط عدم عزل وکیل (عدم فسخ عقد وکالت و در نتیجه لزوم به معنی اعم آن) (۷) فقها در مورد صحت آن تردید کرده و عده‌ای درج چنین شرطی را به علت وجود «دور» باطل اعلام نموده‌اند (۸) و بیان نموده‌اند: برای اینکه عقد وکالت به صورت لازم (البته به معنی اعم کلمه و عدم حق اجرای فسخ و یا عزل وکیل) در عالم خارج تحقق پیدا نماید متوقف بر این است که شرط عدم عزل وکیل لازم‌الاجرا باشد و اگر لزوم شرط عدم عزل وکیل هم متوقف بر لزوم عقد باشد، در این صورت «دور» به وجود خواهد آمد که این امر باطل است. (۹) البته این امر مورد قبول بزرگان فقها قرار نگرفته و آن را بدین صورت رد نموده‌اند. بدین توضیح که هرچند که لزوم عقد (در این مورد عقد وکالت) متوقف بر لزوم شرط می‌باشد ولی به هیچ وجه لزوم شرط متوقف بر لزوم عقد نبوده بلکه متوقف بر ایقاع عقد می‌باشد (۱۰) و سپس مشمول عموم قاعده المومنون عند شروطهم می‌گردد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که از نظر اصول کلی حقوقی و شرعی درج شرط عدم عزل وکیل (شرط عدم فسخ وکالت) ضمن عقد وکالت هیچ‌گونه اشکالی نداشته کما اینکه فقهای

شورای نگهبان نیز در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۲/۲۱ خود، پس از طرح این موضوع آن را مغایر با موازین شرع ندانسته و طبق نظریه شماره ۸۱/۳۰/۷۰۲ مورخ ۸۱/۳/۲۲ مورد تأیید قرار داده‌اند. (۱۱) کما اینکه این امر نیز مورد تأیید علمای حقوق ایران و حقوق فرانسه نیز قرار گرفته است. (۱۲)

### ۲-۲-۲- اثر حقوقی شرط عدم عزل وکیل ضمن عقد وکالت

بعد از اینکه ثابت گردید که درج شرط عدم عزل وکیل ضمن عقد وکالت هیچ گونه اشکال حقوقی و شرعی ندارد بایستی بررسی نمود که درج چنین شرطی چه تأثیری در عقد وکالت داشته؟ آیا عقد وکالت باز به حالت جایز بودن خود باقی است و هر زمان می‌توان آن را فسخ نمود (موکل می‌تواند وکیل را عزل نماید) یا اینکه عقد وکالت به صورت لازم به معنی اعم درآمده و موکل نمی‌تواند وکیل را عزل نماید؟

با تأمل در موضوع به خوبی واضح خواهد شد که در فرض مسأله موکل حق عزل وکیل را نخواهد داشت، با اینکه شرط عدم عزل وکیل ضمن عقد جایز می‌باشد. زیرا با درج چنین شرطی ضمن عقد وکالت در حقیقت اهلیت تمتع فسخ و عزل وکیل (به‌طور جزئی) را موکل از خود سلب می‌نماید، به عبارت دیگر، هنگام تولد عقد وکالت که فسخ عقد وکالت و عزل وکیل ضمن آن متولد می‌گردد و اهلیت تمتع را ایجاد می‌نماید، با ذکر شرط عدم عزل وکیل و فسخ از تولد آن جلوگیری کرده و در نتیجه اهلیت اجرا نیز وجود نخواهد داشت و بر همین مبنا است که ماده ۶۷۹ قانون مدنی ایران تنظیم گردیده است. زیرا همان‌طوری که قبلاً توضیح داده شد با درج عدم عزل ضمن عقد لازم بنابر حاکمیت اراده طرفین و لزوم وفای به شرط اختیار عزل وکیل از موکل ساقط و او پای بند به وکالت می‌شود، و یا به تعبیر بعضی از علماء حقوق «آوردن وکالت ضمن عقد جایز نشانه آن است که طرفین نخواسته‌اند آزادی خود را به‌طور کامل از بین ببرند و فقط مایلند وکالت را تابع آن عقد سازند. ولی در موردی که سقوط عزل با استعفاء ضمن وکالت اعلام می‌شود، دیگر این نشانه وجود ندارد. بنابراین لزوم احترام به خواسته آنان و وفای به شرط ایجاب می‌کند که از مفاد آن پیروی شود و وکالت به صورت عقد لازم درآید.» (۱۳)

بنابراین طبق اصول کلی حقوقی واضح است که برای اعمال هر عمل حقوقی شخص بایستی اهلیت تمتع و اهلیت اجرا را داشته باشد و در مواردی که به گونه‌ای این اهلیت‌ها (البته به‌طور جزئی) از شخص سلب شده باشد اجرای آن عمل حقوقی غیرممکن خواهد بود.

ماده ۶۷۹ قانون مدنی هم دقیقاً همین مطلب را بیان می‌نماید: «موکل می‌تواند هر وقت بخواهد وکیل را عزل کند مگر اینکه وکالت وکیل با عدم عزل در ضمن عقد لازمی شرط شده باشد»، زیرا در این صورت است که موکل اهلیت اجرا را نمی‌تواند اجرا نماید و قانون‌گذار فرد شایع آن را که عقد لازم است را بیان نموده و اگر غیر از این تفسیر شود لازمه آن این خواهد بود که اگر عدم عزل ضمن عقد جایز شرط شده باشد موکل بتواند هر وقت بخواهد وکیل را عزل نماید. و حال اینکه چنین نتیجه‌گیری ناصحیح است، زیرا اگر عدم عزل ضمن عقد جایزی شرط شود، موکل نمی‌تواند هر وقت بخواهد «وکیل را عزل کند» زیرا تا موقعی که عقد جایز باقی است عمل به شرط لازم است و اگر بخواهد عزل کند اول بایستی عقد جایز را فسخ نماید، سپس عمل عزل را انجام دهد (۱۴) نه اینکه موکل مستقیماً حق عزل را داشته باشد. بنابراین در این صورت تا زمانی که عقد جایز باقی است موکل مشمول قسمت اول ماده نبوده و مشمول استثناء و قسمت دوم ماده «مگر اینکه ...» می‌باشد. پس در این قسمت شرط عدم عزل ضمن عقد لازم و جایز مثل یکدیگر بوده، بدین معنی که عدم عزل وکیل امکان‌پذیر نبوده‌التهایه نظر به اینکه عقد جایز قابل فسخ است موکل می‌تواند عقد جایز را فسخ و سپس وکیل را عزل نماید و حال اینکه موکل چنین اختیاری را در عقد لازم نداشته و در نتیجه نمی‌تواند وکیل را عزل نماید.

به علاوه در مانحن فیه موکل نمی‌تواند به هیچ وجهی وکیل را عزل نماید و مورد درج شرط عدم عزل وکیل ضمن عقد وکالت حکم موردی را دارد که شرط عدم عزل وکیل ضمن عقد لازمی شرط شده باشد. زیرا با وجود چنین شرطی در ضمن عقد وکالت آن را به صورت لازم به معنی اعم کلمه درآورده و فسخ (عزل وکیل) آن به علت اینکه مخالفت با شرط داشته غیرممکن می‌باشد چون همان‌طوری که بیان گردید، اهلیت تمتع فسخ و عدم عزل وکیل را از خود سلب نموده و فاقد اهلیت تمتع می‌باشد و در نتیجه مواردی که شرط عدم عزل وکیل ضمن عقد وکالت می‌گردد مشمول قسمت اخیر ماده ۶۷۹ بوده زیرا ذکر «عقد لازم» در ماده اعم است از لازم



به معنی اعم و لازم به معنی اخص.

پس استدلال کسانی که عقیده دارند طبق ماده ۶۷۹ قانون مدنی آزادی موکل در عزل وکیل به عنوان یک «قاعده» و یک اصل می باشد و تنها موردی که قانون گذار استناد کرده است شرط عدم عزل ضمن عقد لازم می باشد و دامنه این استناد را نمی توان به وسیله قیاس توسعه داد، بی پایه و اساس می باشد. (۱۵)

با توجه به مراتب فوق معلوم می گردد که عقیده بعضی از علمای حقوق فرانسه در این مورد دایر بر اینکه با وجود شرط عدم عزل وکیل موکل می تواند وکیل را عزل نموده النهایه بایستی جبران خسارت بنماید، مطابق اصول کلی حقوقی نبوده و نظر وی قابل دفاع نمی باشد. (۱۶)

در رابطه با موضوع مورد بحث دادنامه ای به شماره ۲۷۹ مورخ ۱۳۸۱/۸/۵، از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری صادر گردیده که این رأی به دنبال شکایتی است که نسبت به بخشنامه شماره ۱/۳۴/۳۵۱۶۱ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۷ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور که طی آن تلویحاً حق عزل وکیل را نسبت به موکلی که عدم عزل وکیل ضمن عقد وکالت شرط شده باشد را منتفی دانسته است و بنابراین اگر موکل وکیل را عزل نماید، عزل وکیل بلااثر خواهد بود و عقد وکالت از بین نخواهد رفت. (۱۷)

این مطلب را هیأت عمومی دیوان عدالت به این عبارت که: «به صراحت ماده ۶۷۹ قانون مذکور، موکل می تواند هر وقت بخواهد وکیل را عزل کند مگر اینکه وکالت وکیل یا عدم عزل در ضمن عقد لازمی شرط شده باشد.»

بنابراین قسمت آخر بخشنامه شماره ۱/۳۴/۳۵۱۶۱ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۷ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور را «در حدی که مبین عدم اعتبار عزل وکیل بدون شرط آن در ضمن عقد خارج لازم است، خلاف مقررات فوق الذکر تشخیص داده می شود و به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد»، خلاف صراحت ماده ۶۷۹ ق.م دانسته است. این استنباط دیوان عدالت اداری با توجه به توضیحات داده شده برخلاف موازین اصول کلی حقوقی بوده و قابل ایراد و اشکال می باشد. (۱۸)

### نتیجه

با اینکه عقد وکالت از عقود جایز بوده و عقد جایز را می‌توان هر زمان در قالب عزل وکیل یا استعفای وکیل فسخ نمود ولی با وجود اینکه ذاتاً عقد جایز می‌باشد می‌توان آن را به گونه‌ای از جمله عقود لازم به معنی اعم به حساب آورد. مثلاً عدم عزل وکیل یا استعفای وکیل را ضمن عقد لازم با عقد جایز دیگر حتی ضمن عقد وکالت درج نمود که در این صورت عقد به صورت لازم به معنی اعم تجلی نموده ولی ماهیت جواز خود را از دست نداده و با مرگ و سفته عقد جایز از بین خواهد رفت. زیرا همان‌طوری که مواد ۱۸۵ و ۱۸۶ و ۱۸۷ قانون مدنی ایران عقود را به عقد لازم و عقد جایز و اینکه عقدی از یک طرف لازم و از طرف دیگر جایز است تقسیم نموده مبنای این تقسیم‌بندی را فسخ و عدم فسخ قرار داده است و حال اینکه می‌دانیم عقود لازم با توجه به توضیحاتی که بیان نمودیم، علاوه بر اینکه به وسیله فسخ از بین نرفته اگر خللی در اراده به وجود آید مثل عیوب اراده و یا اینکه شخص فوت نماید، باز عقد لازم به حال خود باقی است که ما آن را اصطلاحاً به عقود لازم به معنی اخص تعبیر می‌نمائیم که در این وضعیت عقد در هیچ حالتی از بین نخواهد رفت. بنابراین عقد جایز نیز به دو صورت جایز به معنی اعم و آن در صورتی است که عقد جایز یا در مانحن فیه عدم عزل وکیل ضمن عقد لازم یا جایز شرط شده باشد و عقد جایز به معنی اخص و آن در صورتی است که عقد جایز مستقلاً در عامل خارج متولد شده باشد که در صورت فسخ و سفته و جنون و مرگ از بین خواهد رفت تقسیم می‌گردد، چون عقد جایز برای ادامه حیات خود احتیاج به عامل سازنده که همان اراده می‌باشد دارد. با توجه به توضیحات فوق اگر عدم عزل وکیل ضمن عقد وکالت درج گردد، پس از اینکه صحت این امر مورد تأیید فقها و علمای حقوق قرار گرفته و هیچ‌گونه مخالفتی با اصول کلی حقوقی در آن مشاهده نگردید عقد وکالت به صورت لازم درمی‌آید. بدین توضیح که موکل، به واسطه وجود شرط عدم عزل وکیل که لازم‌الاجرا می‌باشد، نمی‌تواند عقد وکالت را فسخ نماید و از مصادیق ماده ۱۸۵ قانون مدنی بوده و مسئول قسمت دوم ماده: «مگر اینکه وکالت وکیل و یا عدم عزل...» گردیده و موکل حق عزل وکیل را نخواهد داشت و اگر تصمیم برخلاف آن اتخاذ شده باشد، قابل دفاع نخواهد بود.

شماره ۸۱/۳۰/۷۰۲

تاریخ ۸۱/۳/۲۲

پیوست .....۰۰۰۰۰۰۰۰

بسمه تعالی

شورای نگهبان

رئیس محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

«با سلام»

عطف به نامه شماره هـ/۴۷۵/۸۰ مورخ ۱۳۸۱/۱/۱۷

موضوع بخشنامه ۱/۳۴/۳۵۱۶۱ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۷ رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک

کشور در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۳/۲۱ فقهاء محترم شورای نگهبان مطرح شد، که مغایر با موازین شرع شناخته نشد.

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

تاریخ ۱۳۸۰/۱۱/۷

شماره ۱/۳۴/۳۵۱۶۱

قوة قضائیه

ضمیمه .....۰۰۰۰۰۰۰۰

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

بسمه تعالی

اداره کل ثبت استان

حسب اطلاعات واصله بعضی از سران دفاتر اسناد رسمی برخلاف مقررات اصل اعتبار و وکالت نامه تنظیمی راکه حق عزل وکیل در آن اسقاط گردیده است صرفاً به بهانه اینکه عدم عزل به صورت عقد خارج لازم شرط نشده است، نادیده گرفته و با تقاضای موکل مبادرت به عزل وکیل می نمایند.

از آنجایی که ماده ۷ قانون ثبت تأکید بر اعتبار تمام محتویات و امضاهای مندرج در سند

رسمی دارد و از طرف دیگر تشخیص عدم اعتبار مفاد اسناد رسمی از عهده سر دفتر خارج و نیاز به بررسی قضایی، حکم محکمه صالح مبنی بر بطلان تمام یا قسمتی از سند دارد لذا عزل وکیل به شرح فوق خلاف قانون و مقررات و اصل اعتبار اسناد رسمی بوده و مراتب بدین وسیله اعلام می‌گردد تا از ارتکاب این قبیل اختلافات اکیداً پرهیز شود.

محمد رضا علیزاده

رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

نقل از شماره ۱۶۸۴۲-۱۳۸۱/۹/۳۰- روزنامه رسمی

۱۳۸۱/۸/۲۰

شماره هـ/۴۷۵/۸۰

کلاس پرونده ۴۷۵/۸۰

شماره دادنامه: ۲۷۹

تاریخ ۱۳۸۱/۸/۵

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای محمود رضا سروری‌راد.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۱۶۱۳۵/۳۴/۱ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۷

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور.

مقدمه: شاکی طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور طی بخشنامه مورد شکایت، شرط عدم عزل وکیل ضمن عقد جایز وکالت را که خود برخلاف مقتضای عقد وکالت و موجب ابطال شرط و عقد وکالت نیز می‌باشد به موجب بخشنامه مزبور نافذ اعلام نموده که اولاً از حدود اختیارات و صلاحیت خود خارج گشته و اقدام به قانون‌گذاری نموده است، ثانیاً بخشنامه مزبور برخلاف فتاوی مشهور فقهاء عظام و برخلاف شرع انور است. ثالثاً بخشنامه مورد شکایت برخلاف صریح ماده ۶۷۹ قانون مدنی صادر گردیده و استناد به ماده ۷۰ قانون ثبت که اعلام می‌نماید، سندی که مطابق قوانین به ثبت رسیده ... معتبر است، در حالی که چنین سندی فاقد وصف تطابق با قانون و فاقد اعتبار است. لذا بنا به مراتب تقاضای ابطال بخشنامه شماره ۱۶۱۳۵/۳۴/۱ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۷ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور را می‌نماید. مدیرکل دفتر حقوقی و امور بین‌الملل سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در پاسخ به

شکایت مذکور ضمن ارسال تصویر نامه شماره ۳۴/۱۰۴۱ مورخ ۱۳۸۱/۱/۳۱ اداره کل امور اسناد و سردفتران اعلام داشته‌اند، مفاد بخشنامه مورد شکایت مغایرتی با ماده ۶۷۹ قانون مدنی ندارد بلکه صدور آن در جهت اجرای صحیح ماده مزبور می‌باشد. در نامه اداره کل امور اسناد و سردفتران نیز آمده است، ماده ۶۷۹ قانون مدنی که شاکی به آن استناد نموده به صورت کلی بیان شده لکن در مواردی که به هر صورت شرط عدم عزل وکیل ضمن سند رسمی از موکل سلب و ساقط شده، بی‌اعتبار دانستن چنین شرطی برخلاف مفاد ماده ۷۰ قانون ثبت است. بر این اساس تشخیص عدم اعتبار شروط مندرج در سند منجمله شرط موصوف از صلاحیت و وظایف سردفتران اسناد رسمی خارج بوده و در هر مورد نیاز به رسیدگی قضایی و حکم قانونی دارد. دبیر محترم شورای نگهبان در خصوص ادعای خلاف شرع بودن بخشنامه مورد شکایت طی نامه شماره ۸۱/۳۰/۷۰۲ مورخ ۱۳۸۱/۳/۲۲ اعلام داشته‌اند، موضوع بخشنامه شماره ۱/۳۴/۳۵۱۶۱ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۷ رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۳/۲۱ فقهاء شورای نگهبان مطرح شد که مغایر با موازین شرع شناخته نشد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین دری نجف‌آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آرا به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

#### رأی هیأت عمومی

الف - به موجب نظریه شماره ۸۱/۳۰/۷۰۲ مورخ ۱۳۸۱/۳/۲۲ فقهاء محترم شورای نگهبان مفاد بخشنامه شماره ۱/۳۴/۳۵۱۶۱ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۷ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مغایر با موازین شرع شناخته نشده است. بنابراین موردی برای ابطال بخشنامه مذکور در اجرای قسمت اول ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری وجود ندارد. ب - با عنایت به احکام قانون مدنی در مبحث وکالت به ویژه ماده ۶۷۸ آن قانون، وکالت عقدی جایز است و به صراحت ماده ۶۷۹ قانون مذکور «موکل می‌تواند هر وقت بخواهد وکیل را عزل کند مگر اینکه وکالت وکیل یا

عدم عزل در ضمن عقد لازمی شرط شده باشد.» بنابراین قسمت آخر بخشنامه شماره ۱/۳۴/۳۵۱۶۱ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۷ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در حدی که مبین عدم اعتبار عزل وکیل بدون شرط آن ضمن عقد خارج لازم است، خلاف مقررات فوق‌الذکر تشخیص داده می‌شود و به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.  
رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - دری نجف‌آبادی

نقل از شماره ۱۶۸۴۲ - ۱۳۸۱/۹/۳۰ روزنامه رسمی

۱۳۸۱/۹/۱۳

شماره ۲۵۴۸۶/۴۴۹۴۸

اصلاحیه آیین‌نامه اجرایی بند الف ماده ۱۰۷ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶

وزارت امور اقتصادی و دارایی

نظر به اینکه در سطر ششم تصویب‌نامه شماره ۴۳۲۵۷/ت/۲۵۴۸۶ مورخ ۱۳۸۰/۱۲/۱۵

که بر اساس متن پیشنهادی تنظیم و ابلاغ شده است، عبارت و بعد از عبارت «شرکت‌های سهامی ساختمان و سد و تأسیسات آبیاری (سایر)» به اشتباه تحریر شده است، مراتب جهت حذف عبارت مذکور اعلام می‌شود.

دبیر هیأت دولت - عبدا... رمضان‌زاده

### یادداشت‌ها و زیرنویس‌ها:

۱. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها، جلد اول، انتشارات بهنشر، چاپ اول ۱۳۶۴، شماره ۱۲۴ به بعد؛ سیدحسین صفائی، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد دوم، قواعد عمومی قراردادها، ص ۶۱ به بعد.
۲. کاتوزیان، همان، شماره ۲۰۶ به بعد؛ صفائی، همان، صص ۶۳-۶۱-۱۱۰-۱۰۷.
۳. مواد ۱۸۵ و ۹۵۴ قانون مدنی.
۴. شیخ محمدحسن نجفی، جواهرالکلام، جلد ۲۷، ص ۳۶۰ به بعد، ناشر دارالکتب الاسلامیه، تهران،

- ۱۳۹۴ هجری قمری؛ دکتر سیدحسن امامی، حقوق مدنی، جلد دوم، ص ۲۳۴، تذکر (۱) ناشر کتاب فروشی اسلامیة، چاپ دوم ۱۳۴۰؛ کاتوزیان، همان، شماره ۲۴؛ صفائی، همان، ص ۲۶.
۵. سیدمحمدکاظم طباطبائی بزدی، حاشیه مکاسب، ناشر موسسه اسماعیلیان، سال ۱۳۷۸، صص ۱۰ و ۱۱؛ ملحقات عروةالوثقی (منتم عروةالوثقی) جلد دوم، صفحه ۱۲۲، مسأله ۱۳، انتشارات مطبقة حیدری ۱۳۷۷؛ شیخ الاعظم الشیخ مرتضی الانصاری، کتاب مکاسب با تحقیق و تعلیق محمد کلانتر، جلد ۱۳، صفحه ۱۹۲ به بعد، ناشر جامعه النجف الدینی؛ ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی، مشارکت‌ها، صلح، عطایا، شماره ۲۸، ص ۶۰، ناشر اقبال ۱۳۶۳؛ سیدمحسن حکیم، مستمسک العروةالوثقی، جلد ۱۳، ص ۴۰، چاپ بیروت، لبنان.
۶. سیدمحمدکاظم طباطبائی، حاشیه بر مکاسب ۱۰ و ۱۱ و در همین موضوع مراجعه شود به شیخ محمد علی اراکی، الخیارات، صص ۵۰-۵۲، ناشر مؤسسه امام صادق (ع)، قم، ۱۴۱۴ هجری قمری؛ ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی، عقود ادنی، وثیقه‌های دین، ص ۱۲۴، ناشر انتشارات بهنشر، چاپ اول، ۱۳۶۴.
۷. ما لزوم را به دو معنی استفاده می‌نمائیم: لزوم به معنی اخص که در مورد عقود لازمه به کار برده می‌شود که پس از انعقاد عقد لازم هیچ یک از طرفین عقد نمی‌توانند آن را فسخ نموده و جنون و سفه و مرگ هریک از طرفین تأثیری در انحلال عقد ندارد و لزوم به معنی اعم بدین معنی که عقد پس از انعقاد به وسیله فسخ از بین نمی‌رود و این اختیار برای سازندگان عمل حقوقی وجود ندارد ولی جنون و سفه و مرگ باعث از بین رفتن عقد خواهند شد. بنابراین چنین عقدی به نوعی لازم بوده و بدین جهت ما آن را به نام عقد لازم به معنی اعم نام‌گذاری نموده‌ایم.
۸. سیدمحمدکاظم طباطبائی، همان، صص ۱۰ و ۱۱، ملحقات عروةالوثقی، همان، ص ۱۲۲، مسأله ۵ محمد علی اراکی، همان، صص ۵۰-۵۲؛ شیخ مرتضی انصاری، همان، ص ۱۹۴.
۹. شیخ مرتضی انصاری، همان، ص ۱۹۲؛ سیدمحمدکاظم طباطبائی، همان، ص ۱۰.
۱۰. شیخ مرتضی انصاری، همان، ص ۱۹۴؛ سیدمحمدکاظم طباطبائی، ملحقات عروةالوثقی، همان، ص ۱۲۲، مسأله ۱۵.
۱۱. رئیس محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، با سلام، عطف به نامه شماره ۴۷۵/۸۰/۵ مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۱۷ موضوع بخشنامه ۱/۳۴/۳۵۱۶۱ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۷ رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۳/۲۱ فقهاء محترم شورای نگهبان مطرح شد، که مفایر با موازین شرع شناخته نشد، دبیر شورای نگهبان، احمد جنتی، (شماره ۸۱/۳۰/۷۰۲ مورخ ۸۱/۳/۲۲).
۱۲. سیدمحمدکاظم طباطبائی، ملحقات عروةالوثقی، همان، صفحه ۱۲۲، مسأله ۱۵؛ کاتوزیان، همان، شماره ۱۲۵؛ صفائی، همان، صص ۲۵-۲۶، امامی، همان، ص ۲۳۳، مازو، دروس حقوق مدنی، جلد ۳،

شماره ۱۴۲۰.

۱۳. کاتوزیان، همان، شماره ۱۲۵؛ صفائی، همان، صص ۲۶ و ۲۵.
۱۴. سیدمحمدکاظم یزدی، همان، ص ۱۲۲، مسأله ۱۳؛ کاتوزیان، همان، شماره ۱۲۵.
۱۵. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به کاتوزیان، همان، شماره ۱۲۵.
۱۶. مازو، همان، شماره ۱۴۲۰، همچنین برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به قانون مدنی فرانسه، یادداشت‌های ذکر شده ذیل ماده ۲۰۰۴.
۱۷. اداره کل ثبت استان تهران، حسب اطلاعات واصله بعضی از سران دفاتر اسناد رسمی برخلاف مقررات اصل اعتبار وکالت‌نامه تنظیمی را که حق عزل وکیل در آن اسقاط گردیده است صرفاً به بهانه اینکه عدم عزل به صورت عقد خارج لازم شرط نشده است، نادیده گرفته و با تقاضای موکل مبادرت به عزل وکیل می‌نمایند. از آنجایی که ماده ۷۰ قانون ثبت تأکید بر اعتبار تمام محتویات و امضاهای مندرج در سند رسمی دارد و از طرف دیگر تشخیص عدم اعتبار مفاد اسناد رسمی از عهده سردفتر خارج و نیاز به بررسی قضائی و حکم محکمه صالح مبنی بر بطلان تمام یا قسمتی از سند دارد لذا عزل وکیل به شرح فوق خلاف قانون و مقررات و اصل اعتبار اسناد رسمی بوده و مراتب بدین وسیله اعلام می‌گردد تا از ارتکاب این قبیل تخلفات اکیداً پرهیز شود، رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور (شماره ۱/۳۴/۳۵۱۶۱ مورخ ۱۱/۷/۱۳۸۰).
۱۸. رفرنس برای دادنامه.

## منابع فارسی:

- ۱- اراکی، محمدعلی، الخیارات، قم: موسسه امام صادق (ع)، ۱۳۱۴.
- ۲- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، چاپ دوم، تهران: اسلامیه، ۱۳۴۰.
- ۳- الانصاری، مرتضی، مکاسب، با تحقیق محمدکلانتر، ب.م.: جامعه النجف الدینیه، جلد ۱۳.
- ۴- حکیم، سید محسن، سمتسک العروء الوثقی، بیروت: ب.ن.ب.ت. جلد ۱۳.
- ۵- صفایی، سیدحسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی؛ قواعد عمومی قراردادها.
- ۶- طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم، حاشیه مکاسب، ب.م.: موسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۸.
- ۷- طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم، ملحقات عروء الوثقی (متمم عروء الوثقی)، انتشارات مطبعه حیدری، ۱۳۷۷.
- ۸- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، تهران: انتشارات بهنشر، ۱۳۶۴.
- ۹- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، مشارکت‌ها، صلح، عطایا، تهران: اقبال، ۱۳۶۳.